

## اظهار نظر‌ها در باره رد صلاحیت حسن روحانی

پس از انتشار خبر ردصلاحیت حسن روحانی در انتخابات مجلس خبرگان، بسیاری از چهره‌های سیاسی به این تصمیم شورای نگهبان واکنش نشان دادند. البته برخی از واکنش‌ها به نقد عملکرد شورای نگهبان و برخی از واکنش‌ها به تأیید این عملکرد و حتی برخورد سنگین‌تر با روحانی پرداخته است. برخی از این نظرات در ادامه می‌آید:

### علی جنئی: افزایش سرمایه اجتماعی روحانی

اقلیت تمامیت‌خواه حاکم حضور رئیس جمهور سابق را نیز در مجلس خبرگان برنفاقت تا این نهاد هم به‌طور کامل در قبضه آنان قرار گیرد. ردصلاحیت دکتر روحانی برگ دیگری از رسوایی کسانی است که قانون اساسی را به سخره گرفته‌اند. منتظر مشارکت اقلیت در انتخابات باشید. با ردصلاحیت دکتر روحانی سرمایه اجتماعی او را افزایش دادید. کارنامه او در طول نیم قرن گذشته در صحنه‌های دشوار دفاع مقدس، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و ده‌ها مسئولیت دیگر روشن است. او هرگز از صحنه سیاسی کشور حذف نخواهد شد و همواره در کنار ملت باقی خواهد ماند. / توئیتر

### حسام‌الدین آتنا: محفل یا مجلس؟

مصلحت نبود یا صلاحیت؟ سقیفه امروز یا دیروز یا فردا؟ محفل یا مجلس؟ / توئیتر

### محمدجواد آذری جهرمی: نسخه حذف

#### شفابخش نیست

نقل است که روزی فردی به پزشکی مراجعه کرد و چنین شرح حال گفت: «جناب دکتر، شرایط بدی بر جسم من حاکم شده که دست بر هر جای تنم می‌گذارم، درد می‌گیرد.» دکتر او را معاینه کرد و گفت: «بزرگوار، آنچه آسیب دیده است؛ دست شماست!» اینکه به جز رهبر انقلاب - حفظه‌الله - و شهید بزرگوار رجایی، هیچ رئیس جمهوری دیگری در پایان مأموریت خود، مطلوب پنداشته نشده و به نوعی طرد شده است؛ شاید مصداق داستان بالا باشد... تعادل در ریزش و رویش‌ها، طبیعت یک سیستم زنده است. اما اگر ریزش‌ها شدت یافت و طرد کردن و محدود کردن دایره نیز به صورت ارادی و با شدت بر آن اضافه شد؛ سیستم به سمت پیری و ناکارآمدی خواهد رفت. ایراد در سیستم را باید یافت و درمان کرد، نسخه حذف افراد یا پیاده‌سازی آن‌ها از قطار انقلاب از ابتدا هم روشن بود که شفابخش نیست؛ روال در مان را تدبیری دیگر باید... / کانال تلگرامی

### عبدالناصر همتی: مسئله قهر مردم است

مهم‌تر از مسئله تأیید یا ردصلاحیت افراد برای انتخابات در نزد افکار عمومی، مسئله قهر بخش مهمی از مردم با صندوق رأی است که در انتخابات ۱۴۰۰ نیز خود را نشان داد. رمز تحقق حضور گسترده مردم در انتخابات، اطمینان یافتن آن‌ها از مؤثر بودن نتیجه نظر و رأی‌شان در اداره امور کشور است. / توئیتر

### سیدعباس صالحی: انقلاب را به تاراج نسپاریم

وقتی از قطار انقلاب افراد و گروه‌ها را پیاده و بلکه پرتاب و بی حیثیت می‌کنیم، ساده‌ترین برداشت این است که چرا سوار شویم که چنین سرنوشتی پیدا کنیم؟! و وقتی بر نامداران انقلاب چنین روی می‌داریم، تکلیف این قطار را از آغاز تا پایان تعیین کرده‌ایم! انقلاب و ایران را به تاراج نسپاریم! / توئیتر

### احمدزیدآبادی: ساختمان منحرف‌ساز

پس از فوت آیت‌الله خمینی، شورای نگهبان ویژگی‌هایی مانند «مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» را برای مرحوم شیخ اکبر هاشمی‌رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و شیخ حسن روحانی در دو دور متوالی احراز کرده است، اما پس از سپری شدن دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری آنها، هر چهار نفر را نه فقط فاقد هر نوع صلاحیت برای ریاست جمهوری بلکه حتی «منحرف» تلقی کرده است! با این وضع، اوضاع از دو حال خارج نیست. یا هر فرد «صاحب صلاحیت مورد احراز شورای نگهبان» پس از ورود به ساختمان پاستور، با هر سابقه و گرایش و طرزفکری خواه ناخواه «توزرد» از کار در می‌آید و منحرف می‌شود که در این صورت، در ساختمان پاستور باید گل گرفت چون این ساختمان حکم «منحرف‌ساز» پیدا کرده است! یا اینکه، شورای نگهبان اصولاً فاقد توانایی تشخیص و شناخت ویژگی‌های مورد نظر خود در افراد است که در آن صورت نیز، وجودش بالکل نقض غرض است و فقط وقت و منابع کشور را به باد می‌دهد! این یادداشت از باب محاجه است! / کانال تلگرامی

# روحانی هم رد صلاحیت شد

از نهادینه شدن و درونی شدن بیشتر ناامیدی اجتناب کنند.

این گمانه‌ها و تحلیل‌ها آن زمان بیشتر شد که رهبری هم در سخنانش از ابتدای سال بر ۴ اصل «رقابت»، «مشارکت»، «امنیت» و «سلامت» تأکید چندباره کرده بودند. البته در این بین هر بار در محافل سیاسی په‌ویژه اصلاح‌طلبی این بحث مطرح می‌شد که «آیا حاکمیت واقعاً به این نتیجه رسیده که باید اصلاح‌طلبان و میانه‌روها را هم در چرخه قدرت و مدیریت در کنار خود داشته باشد؟» طبیعتاً کسانی که پیش از نتایج بررسی صلاحیت‌ها در این بحث‌ها حضور داشتند، بدبینانه‌ترین نظر را این می‌دانستند که «برخلاف قشر قابل توجهی از جامعه که به این باور رسیدند یک‌دست‌سازی‌ها راه برون‌رفت از مشکلات نیست و باید همه سلاقی و افکار در تصمیم‌گیری‌ها حضور پیدا کنند، مسئولان به این نتیجه نرسیده‌اند و هنوز ضرورتی بر این تغییر رویه نمی‌بینند». در این بین چهره‌هایی که حداقل امیدهایی داشتند و البته می‌خواستند تا آخرین توان همراهی داشته باشند، با همین امید و تحلیل‌های مذکور برای انتخابات، چه مجلس شورای اسلامی و چه مجلس خبرگان ثبت‌نام کردند.

از جمله مشهورترین این چهره‌ها، حسن روحانی از چهره‌های شاخص اصولگرایان سنتی و میانه‌روها بود. اگرچه فرضیه ردصلاحیتش با توجه به اینکه طی همین چهار سال، او مقصر شماره یک وضعیت کشور از سوی جریان رقیبش در سننر خودی‌ها یعنی اصولگرایان بود و تأثیر آنها بر نهادهای تصمیم‌گیری غیرقابل انکار است، اصلاً بعید نبود که او پس از ثبت‌نام در بیانیه‌ای چنین مطرح کند که «من به‌عنوان کسی که بیشترین دوران عمر خود را به عنوان منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری و ریاست جمهوری خدمت کرده‌ام، همچون همه شما در مقابل این انتخاب دشوار قرار دارم که سکوت و عدم مشارکت را برگزینم یا

**گروه سیاسی:** روز چهارشنبه خبر ردصلاحیت حسن روحانی، رئیس‌جمهور دوره یازدهم و دوازدهم هم منتشر شد. آن هم پس از اینکه هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان با رد شایعه ردصلاحیت حسن روحانی از رسانه‌ها خواست پیش از اعلام رسمی نتایج از چنین گمانه‌زنی‌هایی بپرهیزند. اینکه شخصی از چهره‌های سرشناس سیاسی ردصلاحیت شود، برای مردم ما که سال ۹۲ ردصلاحیت اکبر هاشمی‌رفسنجانی، که در همان زمان هم رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بود را دیده‌اند، نه جدید است و نه باورش سخت. همانطور که عملاً دیگر رئیس‌جمهور و رئیس دولت صلاحیت‌داری از نگاه مسئولان نظارتی (به جز شخص رهبری) باقی نمانده است؛ احتمالاً اگر محمدعلی رجایی هم زنده بودند، با توجه به اینکه نزدیک‌ترین دوستانش افرادی مانند بهژاد نبوی بوده است؛ او هم کشمش متفاوت از سایر رؤسای جمهور نبود.

با همه این اوصاف اما این ردصلاحیت بار دیگر شوک‌آوری خود را دارد؛ شوک آن هم نه برای این است که ما تجربه نظارت استصوابی را از مجلس چهارم به بعد داریم و نه حتی صرفاً به خاطر اینکه روز به روز دایره انتخاب مردم تنگ‌تر می‌شود؛ بلکه از آن جهت است که کشور تجربه یک‌دست‌سازی و مشکلات عدیده معیشتی و اجتماعی را داشته است و بودند تحلیلگرانی که با پیش‌بینی آینده بر این موضوع تأکید داشتند که ادامه روند فعلی احتمال فروپاشی‌های درونی در جامعه و اقتصاد را بالا می‌برد و حالا که این یک‌دست‌سازی‌ها به بدتر شدن اوضاع منجر شده، حتماً دست‌اندرکاران امر هم اوضاع را درک می‌کنند و هم برای اینکه همدلی مردم را به دست آورند و هم از آن جهت که در چرخه عمل فرصت ایجاد تغییرات را از دست ندهند. از تأییدصلاحیت گسترده‌تری بهره می‌برند و بالاخره در این بین دلسوزانی هستند که بخواهند

نه‌فقط در گفته صریح سخنگوی این شورا، که در عمل هم، خود را نسبت به مشارکت حداکثری مردم در انتخابات، بی‌مسئولیت‌نشان داد. این واقعیت تلخ، در تضاد روشن با خواست رهبری است که زمینه‌سازی برای مشارکت حداکثری در انتخابات را وظیفه همه نهادها بر شمردند.

با این شواهد روشن، دیگر تردیدی نمی‌ماند که اقلیت حاکم، رسماً و علناً کاهش حضور مردم در انتخابات را می‌خواهند. آن‌ها می‌خواهند انتخابات و صندوق را از تعیین‌کنندگی در سرنوشت مردم بیاندازند تا خود بتوانند با تصمیمات محفلی، سرنوشت مردم را تعیین کنند. به این سبب، هم‌اکنون نیز، بیش از پیش باید بر اهمیت رأی مردم و تعیین‌کنندگی صندوق رأی پای فشرده و به نقشه حذف صندوق و حذف جمهوریت از نظام اعتراض کرد. راه اعتراض هم جز صندوق نیست. باید راهی یافت که «رای اعتراضی» صدای رسای مردم ایران شود. باز هم معتقدم باید در انتخابات شرکت کرد اگر چه مرا هم رد کرده باشند. باید با رأی، اعتراض کرد. رأی ندادن، عمل به خواست آن هاست که می‌خواهند ما رأی ندهیم و به تدریج مردم را از حق مسلم «انتخاب» محروم نمایند. لذا وظیفه نمایندگان مقبول سیاسی مردم است که شیوه رأی اعتراضی را به آنان نشان دهند.

از این آقایان باید پرسید آیا در این تصمیم، شما بی‌طرفی سیاسی را رعایت کرده‌اید؟ شما اگر نیت سیاسی جانبدارانه نداشتید، به کدام دلیل قانونی، صلاحیت کسی که بیشترین سابقه نمایندگی مردم در نظام را داشته و تا امروز، پنج دوره نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی بوده است، سه دوره نماینده مجلس خبرگان بوده است، دو دوره رئیس‌جمهور منتخب مردم بوده است، عضو و رئیس اصلی‌ترین شوراهای تصمیم‌گیری نظام بوده است را زیر سوال برده‌اید؟ اگر نیت جانبدارانه سیاسی ندارید و از ترس رأی‌آوری او خوددست به کار حذف پیشاپیش نشده‌اید، چرا این دلایل را با مردم در میان نمی‌گذارید؟ و اگر نیت سیاسی جانبدارانه نداشتید، آیا این عملکرد، صلاحیت شما در نظارت منصفانه بر انتخابات را از شما سلب نمی‌کند؟

باید پرسید آیا این رویکرد، به نفع نظام و کشوری است که پس از عنایت الهی، جز مردم قدرت دیگری به عنوان حامی و یاور ندارد و در

در مسئولیت‌های سخت و دشوار پیموده‌ام.

امروز خبر رسید که شورای نگهبان، مانع ورود این خادم کوچک ملت ایران در انتخابات مجلس خبرگان شده است. اینک لازم می‌دانم چند نکته را در این رابطه با شما که صاحبان اصلی کشور و ولی نعمتان نظام هستید، در میان بگذارم:

۱. آنان که با انگیزه‌های سیاسی دست به ردصلاحیت اینجانب زده و هزاران نفر از داوطلبان مجلس شورای اسلامی را نیز به دلایل عمدتاً سیاسی ردصلاحیت کرده و حق مشارکت مردم را از آنان سلب نموده‌اند، نه مالک انقلاب و کشورند و نه صلاحیت تعیین مصالح کشور و سلب صلاحیت از خدمتگزاران صدیق و دلسوز کشور را دارند.

۲. گرچه در زمان ثبت‌نام هم، می‌شد حدس زد که وقتی عده‌ای در دو انتخابات قبلی به جرم حمایت از روحانی رد شده‌اند، خود روحانی راهم رد کنند؛ اما من نمی‌توانستم به بهانه عمل نادرست دیگران، به وظیفه‌ای که خود درست تشخیص می‌دادم عمل نکنم. این بار هم به عشق مردم و برای پیشگیری از خطراتی که میهن را تهدید می‌کند، خود را در معرض حملات و تعرضات قرار دادم.

اینک حجت تمام شده است و شاهدهی روشن و غیرقابل انکار بر رویکرد حذف‌گرایانه و ضدقانون اساسی جریان اقلیت تمامیت‌خواه حاکم، پیش چشم ملت ایران آشکار گشته است.

۳. شورای نگهبان قانون اساسی به‌جای آن که با مصوبه اخیر خلاف قانون اساسی مجلس که حق انتخاب مردم در انتخابات را محدود می‌کرد، مخالفت کند، با تأیید آن مصوبه و صحنه‌گذاشتن بر اقدامات غیرقانونی هیأت‌های اجرایی و نظارت، عملاً جریان مایوس‌سازی مردم از انتخابات را تقویت کرد و

## بیانیه روحانی: در صحنه بمانیم با رای اعتراضی